

## «نگاهی به تصوّف و عرفان اسلامی»

مرضیه کاظمی زهرانی<sup>۱</sup>

دکتری زبان و ادبیات فارسی، اصفهان، ایران

### چکیده

تصوّف و عرفان از جمله مباحث بسیار مهم و کلیدی در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران اسلامی است که در مقاطع مختلف زمانی، فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. اهمیت این بحث به اندازه‌ای است که حجم گسترده‌ای از متون گذشته ما را به خود اختصاص داده و پیوسته محلّ مناقشه موافقان و مخالفان قرار گرفته است. یکی از مسائل اصلی در این زمینه، منشأ عرفان اسلامی است که محققان در این باره نظرات بسیار متفاوتی را ارائه کرده‌اند؛ به طوری که برخی معتقدند خاستگاه آن، آیین‌های غیر اسلامی است و گروهی دیگر آن را جلوه نابی از مذهب شیعه می‌دانند. در این نوشتار کوشش شده تا با بررسی آراء و اندیشه‌های بزرگان و اندیشمندان گذشته تا امروز، به بررسی عقاید آنان در باب جایگاه اصلی عرفان اسلامی بپردازیم. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که غالب بزرگان در سخنان خود، عرفان اسلامی را برخاسته از اسلام و متأثر از معارف دینی و مذهبی دانسته‌اند.

**کلمات کلیدی:** عرفان، تصوّف، اسلام، تشیع، عالمان دینی.

### مقدمه

درباره منشأ تصوّف اسلامی، دیدگاه‌های متفاوتی از سوی محققان عرضه شده است. برخی از محققان و بویژه مستشرقان بر این باورند که عرفان و تصوّف اسلامی، سرچشمه‌های غیر اسلامی دارد. مسیحیت، ادیان ایرانی پیش از اسلام، اندیشه‌های یونانی و مکتب‌های هندی، از عمده مواردی است که این افراد به عنوان منشأ عرفان اسلامی از آن‌ها نام برده‌اند.

اساس این طرز تفکر را باید در مشابهت‌های موجود میان مکاتب و اندیشه‌های ذکر شده، با تصوّف و عرفان اسلامی دانست. آنچه مسلم است، نمی‌توان منکر برخی شباهت‌ها و تأثیرپذیری‌های تصوّف اسلامی از دیگر ادیان شد، اما تفاوت‌های فاحش میان عقاید صوفیان اسلامی و آیین‌های غیر اسلامی، مانع از آن می‌شود تا خاستگاه تصوّف اسلامی را چیزی جز اسلام و شریعت محمدی و علوی بدانیم. (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۸۲: ۱۲-۳۲)

زرین کوب در این باره معتقد است که تصوّف ایرانی متأثر از اسلام بوده است؛ زیرا ایران باستان با مباحث زهد و فقر تناسبی نداشته است: «اگر درست است که تصوّف در دنیای اسلام از زهد و فقر آغاز شد و با عشق الهی و ذوق وحدت وجود و شهود به کمال خویش رسید ظهور و توسعه آن در سرزمین ایران، در طی قرون نخستین اسلامی خالی از غرابتی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه ایران به عنوان مهد دیرینه آیین زرتشت با عوالم زهد و فقر آشنایی و توافقی نداشت تا از این حیث آمادگی خاصی برای پرورش تصوّف نشان داده باشد». (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱)

تصوّف گاه به اعتبار روی آوردن صوفیان به اعمالی چون رهبانیت، ترک دنیا، پشمینه پوشی و توجه به عشق و محبت، برگرفته از تعالیم مسیحیت و گاه به علت اعتقاد به وحدت وجود، منشعب از فلسفه نوافلاطونی دانسته شده است: «اساس مهمّ مذهب فلوطین وحدت وجود است که ممکن است به این عبارت معروف تعبیر شود که بسیط الحقیقه کلّ الاشیا و لیس بشیّ منهنها (بسیط حقیقی همه اشیا است در حالی که هیچ یک از اشیا نیست)، حقیقت یکی است و منشأ وجود همان حقیقت واحده است. جمیع موجودات تراوشی است از مبدأ احدیت که به طریق تجلی و فیضان و انبعاث از او صادر گشته و مآلاً همه چیزها به طریق رجوع به همان مبدأ بر می‌گردد... هستی مطلق او است و مابقی نمود است یعنی